

عاشورا خون حسین (ع)
 هبهت ایجاد انقلاب اسلامی
 بود و هم عامل حفظ و
 نگهداری آن می باشد ،
 بنابراین بر ماست که با
 پیروی از امام و همگامی با
 امت در شناخت هر چه بهتر
 و تداوم هر چه بیشتر این
 حرکت و زنده نگاه داشتن
 آتش این عشق الهی
 بگوئیم .

نقش حماسه عاشورا، در انقلاب اسلامی ایران





کل یوم عاشوراء کل ارض کربلا و کل شهر محرم
هر روز عاشورا، هر سرزمینی کربلا، و هر ماهی محرم است.

سخن از نقش عاشورا و محرم و انقلاب حسینی در انقلاب اسلامی ایران، سخن از بدیهیات و واضحات است، زیرا اثر پذیری شعارهای انقلاب، روحیه شهادت طلبی و مقام معظم رهبری از مسئله عاشورا و خون همیشه جوشان حسین و یارانش، از واضح ترین مسائل بوده و بخوبی روشن است که این انقلاب اساساً، تداوم حرکت انبیاء از آدم تا ابراهیم و از ابراهیم تا محمد(ص)، و از محمد(ص) تا کربلا(ا)، و از کربلا تا ایران اسلامی و از اینجا تا همیشه تاریخ، می باشد. قصداً از این سخن فقط یک یادآوری و تذکر درباره نقاط عطف تاریخ انقلاب اسلامی، که بیشتر در محرم و عاشورا بوده است می باشد که ان الذکری تنفع المؤمنین.

کمی عقب برمی گردیم، تاریخ انقلاب اسلامی را ملاحظه می کنیم، انقلاب از ۱۵ خرداد ۱۳۲۲، مصادف با محرم ۱۲۸۴، ماه خون و قیام، آغاز می کردند. بیشترین صف راهپیمایان و کسانی که در قم و تهران اجتماع می کردند را، اعضای هیات های مذهبی و عزاداران حسینی تشکیل می دهند، انقلاب با الهام از عاشورا و دو روز پس از عاشورا شکل می گیرد، عاشقان حسین پروانه وار به گرد شمع وجود سلاله پاک او، «حسینی»، می چرخند و هزار، هزار و فوج، فوج، به استقبال شهادت می روند، به روایتی ۱۵۰۰۰ نفر در این روز تاریخی شهادت می رسند، فریادهای نهضت ما حسینی است، رهبر ما خمینی است، تمام ایران را فرا می گیرد، و آتش انقلاب زیانه می کشد، پس از سرکوب و خشیانه قیام خونین ۱۵ خرداد، جمعیت های مؤتلفه اسلامی از درون همین جریانات مذهبی شکل می گیرد، برخی حرکات مسلحانه شروع می شود و فریاد اعتراض امت را، به گوش جهانیان می رساند، بیشترین منبع تغذیه و تدارکاتی این حرکتها، همان جریانات مذهبی و نشأت گرفته از «حسین» و «عزاداری حسین» می باشد، بعلت جدا شدن این جریانات از خط «مذهب» و «ولایت» و «عاشورا»، و عدم اتصال آن به «ولایت فقیه» و امت حزب الله این جریانات عملاً متلاشی شده و به شکست می انجامد، ولی خون حسین همچنان جوشان، و حسینان زمانه همچنان عاشق و صمیمی بدنبال عاشورا و عاشوراها و آتش انقلاب در زیر خاکستر خفقان و قلدری پنهان شده است که ناگهان دوباره زبانه می کشد، از کجا؟ از قم، شهر قیام، شهر عاشقان

حسین، آتش انقلاب در همه جا شعله ور می شود و رژیم آمریکائی شاه خائن ترسناک و وحشت زده و نگران، از چه؟ از رسیدن محرم، زیرا رژیم شاه بخوبی دریافته بود که «محرم» و «عاشورا» و «حسین» و «روضه و عزاداری» است که روزی او را از تخت قدرت بریز خواهد کشید و به «سلف» او، «یزید» ملحق خواهد نمود و بدین علت بود که حکومت نظامی اعلام شده و تشدید می گردد، اطلاعیه های تند و سخت نظامی هر روز صادر می گردد، مجالس عزاداری (به جز آنکه از نظامیان شاهنشاهی اجازه داشته باشند) تعطیل می گردد، روحانیت مبارز و آگاه دستگیر و به زندان و تبعید فرستاده می شوند، اما...

اما این امت، عاشق عاشورا و عاشق حسین است و همچون حسین و یاران او، از هیچ چیز واهمه ندارد، امت شبانگهان پرفراز بامها، فریاد «الله اکبر» سر می دهد، و حماسه خویش را در شب اول محرم در برابر جلادان شاه، به نمایش می گذارد، چه تکبیر گویانی که در شب اول محرم سال ۵۷ به مقصود

بیشترین نقاط عطف تاریخ انقلاب اسلامی ایران در محرم شکل گرفته است ، مانند قیام ۱۵ خرداد (دوازدهم محرم) ، حماسه اول محرم در سرچشمه ، و عظیم ترین راهپیمائی تاریخ ایران در تاسوعا و عاشورا ، که در آن نابودی رژیم سلطنتی ، قطعی و حتمی شد .

خود رسیده و در سرچشمه به دیدار حسین، شهید همیشه شاهد، شتافتند؟
و چه کسانی حسرت خوردند و یالیتنا کتا معکم (ای کاش ما با شما بودیم)، گفتند؟ در چنین جو وحشت و خفقان، اطلاعیه ابوفرمزان، اولین امام جمعه تهران، حضرت آیت ا... طالقانی که به تازگی

از یک زندان طولانی آزاد شده بودند، صادر می گردد، و اعلام می دارد که با بررسی همه جوانب، شخصاً در تاسوعا و عاشورا، جهت راهپیمائی و ابراز انزجار از حکومت خونخوار شاه، از خانه بیرون می آید، امام امت این رهبر آگاه و بیدار، با رهنمودهای پیامبرگونه خود، این حرکت را تأیید نموده و از مردم می خواند که در آن شرکت کنند، روحانیت مبارز تهران و سایر بلاد نیز به پیروی از امام امت، این حرکت را تأیید می نمایند، و بدینصورت عظیم ترین راهپیمائی تاریخ ایران در تاسوعا و عاشورا، شکل می گیرد، و پس از آن راهپیمائی بود که رفتن «یزید زمانه» قطعی شد و تشریف فرمائی فرزندان حسین(ع) نیز حتمی گردید که دیو جو بیرون رود فرشته درآید...

و چنین شد که هر روزمان عاشورا، و تمامی پهنه کشورمان، کربلا و تمامی ماهها، محرم گردید پس از پیروزی انقلاب، در این کشور هر روز عاشورائی و هر روز شهیدی، شهدائی در کردستان، در کربلا، کوهچاها و خیابانهای تهران و شهرستانها از مردم عادی گرفته تا رهبرانی همچون شهید مطهری، مفتاح عراقی، قاضی طباطبائی و... ولی باتمام اینها، خون حسین همچنان می جوشید و فریاد «هل من ناصر» او همچنان در گوش تک تک امت، طنین افکنده بود و شیطان بزرگ و شیاطین دست آموز او، همچنان در صدد مایوس نمودن مردم و خارج کردن آنها از صحنه، بودند که ناگهان توطئه ها در داخل و خارج اوج می گیرد و هنوز چند صبحی از عمر این جمهوری نوپا نگذشته است، که دشمن تا دندان مسلح، در مرزی بوسمت یکهزار کیلومتر، حمله را آغاز می کند و دزاش می کفایتی و خیانت فرمانده کل قوای آنروز، (بنی صدر مخلوع)، در بعضی جبهه ها، تا ۹۰ کیلومتر در خاک کشور اسلام، پیش می آید و در داخل نیز حرکت مزدوران آشکار و پنهان امپریالیسم، شکل تازه ای بخود می گیرد و جبهه متحد ضدانقلاب، حرکتهای وسیعی را علیه انقلاب آغاز می کند و در چند عملیات ناجوانمردانه و خیانتکارانه بهترین فرزندان امت و سران انقلاب را شهید می نماید، بوشتی که «خودیک امت بود، برای ملت ما» به شهادت می رسد، محمد منتظری، انقلابی خستگی ناپذیر از میان ما می رود، رئیس جمهور و نخست وزیر به شهادت می رسند، و خرمشهر و بستان و قصر شیرین و... پیش از آن از دستورفته بودند، و به راستی در چنین موقعیتی چه چیزی می تواند از سقوط انقلاب جلوگیری نماید؟ چه چیزی باعث می شود که درون انقلاب از پلیدیها بقیه در صفحه ۶۸

پاک شود و پایه‌های انقلاب از درون مستحکم و تمامی نهادهای انقلاب مستقر گردند؟ چه چیز موجب رهائی بستان و خرمشهر می‌گردد؟...
 اگر متصفانه به قضاوت بشینیم و اگر دقیقاً تمامی زمینه‌های این حماسه‌ها را مورد مطالعه قرار دهیم، اگر سری به جبهه‌ها بزنیم و به فریاد دل رزمندگان گوش فرادهم، این آهن دلشینی را از سویدای دل آنان خواهیم شنید، اهنگی که در آخرین لحظات حیات شهیدانمان بر لبهای آنان جاری است: **اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ يَا اَبَاعَبْدِاللهِ**، کربلا، ما می‌ایم! و چنین است که از صدها کلمه مترسور و ناله‌ها فاصله تا کربلا را نشان می‌دهند و به همین دلیل است که شعارهای مردم در تشییع پیکرهای پاک شهیدانشان، و در نمازهای جمعه و اجتماعات چنین می‌شود که:
 برای فتح کربلا، پیش سوی جبهه‌ها.
 یا:

حسین، حسین، شعارم است، شهادت افتخار ماست.
 پس عاشورا و خون حسین (ع) هم علت ایجاد انقلاب اسلامی ایران بوده و هم عامل حفظ و نگهداری آن شده است، و بر ماست که با پیروی از امام و همگامی با امت در شناخت هر چه بیشتر و بهتر این حرکت و تداوم آن وزند نگاهداشتن آتش این عشق الهی کوشا باشیم که:
 آتش است این بانگ نای و نیست، باد هر که این آتش ندارد نیست باد و دریایان خدا را می‌خوانیم به خون پاک شهیدان عاشورای حسینی و خون پاک شهیدان عاشوراهای هر روز ایران که:
 خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خینی را نگهدار.
 والسلام
 (۱) .. برای روشن شدن این سیر منطقی به زیارت وارث مراجعه گردد

جهاد سازندگی را...

اسلام برای جهادگران بعنوان هدف موجب تحرک این سازمان باشد.
 یعنی جهاد علیه کفر و فقر و وابستگی، ظلم، جهل، بیماری و وابستگی به دول کفر بایستی تحت فرمان امام امت باشد.
 همچنانکه میدانیم طبق اصل ۱۴۷ قانون اساسی در زمان صلح ارتش نیروهایش را در اختیار جهاد سازندگی قرار می‌دهد بنابراین جهاد از لحاظ رده تشکیلاتی، باید عضو شورای عالی دفاع و تحت فرماندهی ولایت فقیه است و از طرفی چون جهاد سازندگی فعالیتش در راه خدا و برای تعالی دین

کارخانه‌ها، در این سرمایه‌گذارها و پیشرفت تولید اخلاص گری بکنند اگر دادگاه خوبی باشد دولت پششش گرم است این کار را انجام می‌دهد. و کسی که متخلف است به دست دادگاه می‌سیارد همچنین خانواده‌ها تشکیل می‌شود دیگر یک زن احساس ناامنی در برابر مرد نمی‌کند. اگر مرد ظلم کند دادگاه دستش را می‌گیرد.

در کوچه و بازار و خیابان و مدارس مردم، بچه‌ها، دخترها و پسرها... می‌روند و می‌آیند اگر دادگاه قوی باشد در تمام موارد مردم احساس امنیت می‌کنند. در این راه امنیت اقتصادی، سیاسی، قضائی دادگاهها قویا مفید می‌باشند اگر دادگاهها نباشند هیچکدام از اینها نخواهد بود. اما در رابطه با ارشاد، هر مجرمی که در جامعه علنی جرمش را انجام بدهد مجازات می‌شود. وجود مجرم و آزادی مجرم، رهایی مجرم موجب تشویق افراد ناصالح است و حرام است و کم کم دیگران می‌گویند هرکاری بکنیم می‌توانیم خود جلوگیری از مجرم و مجازات او به دیگران تنبیه می‌دهد که جرم نکنند که آنها هم مثل او مجازات شوند. مجازات اگر برای مجازات شوند کیفر است برای دیگران ارشادی است. ولذا قرآن می‌گوید: وقتی که زن و مرد زناکار را شلاق می‌زنند بگو یک عده از مردم مجازات و کیفر او را ببینند یعنی اگر یک نفر شلاق می‌خورد و کیفر می‌شود صد نفر می‌بینند که آن یک نفر شلاق می‌خورد، دیگر به فکر جرم نمی‌افتند، ارشاد می‌شوند. بالاخره نقش دادگاهها در ارشاد جامعه و اصلاح جامعه و امنیت قضائی و امنیت اقتصادی و سیاسی بسیار مهم است که البته در قانون هم این نقشهای مهم به عهده شورای عالی قضائی و قوه قضائی گذاشته شده است. که الحمدلله... پیاده می‌شود. اما اینکه جامعه چه تاثیری در دادگاهها می‌تواند داشته باشد. خیلی تاثیر در جامعه می‌تواند داشته باشد. کمک دادگاه از نظر اطلاعاتی باشد. از نظر اینکه مردم را

ارشاد کند در دادگاهها آنچه واقعیت است بگویند و اعلام کنند و بازوی دادگاهها باشند و آنچه دادگاههای انقلاب بر اساس احکام شرع داده اند با کمال میل بپذیرند تا در جامعه اصلاح صورت پذیرد و این مقدار جامعه در دادگاه می‌تواند اثر بگذارد.

س: لطفا جهت آشنائی بیشتر مردم درباره وظایف دادستانی کل انقلاب توضیحاتی بدهید؟

ج: وظایف دادستانها خیلی روشن است وظیفه دادستانی این است که کسانی که تعظم می‌کنند، اظهار شکایت از کسی یا گروهی می‌کنند دنبال کند. ضارب، متجاوز و گناهکار را بگیرد. بازجویی کند. پرونده تشکیل بدهد و به دادگاه بفرستد و دادگاه هم طبق قانون مجازات کند. در رابطه با عموم دادستان اگر حقوق عمومی در مرحله ضایع باشد دادستان موظف است آن کسی که مثلا در جامعه به بیت المال مردم، به حق مردم، به جان مردم، به امنیت مردم لطمه می‌زند جلوگیری کند. تعقیب کند، جرم را کشف و مجرم را پیدا کند و پرونده را تکمیل کند و حکم به دست دادگاه و دادستانی حکم اجرا شود. البته همه اینکارها باید طبق قانون انجام بگیرد. طبق صلاحیتها انجام بگیرد و مردم هم توقع نداشته باشند بیش از آنچه که قانون به آنها اجازه داده عمل کنند.

س: در آخر اگر مطلبی دارید بیان کنید.

ج: از مسائل عمومی چیزی ندارم بگویم جز آنکه تاکید کم مردم اگر واقعا در برابر احکام اسلام مطیع باشند بدانند که به نفع همه است اگر دیگری جرم کند خیلی‌ها هستند که دلشان می‌خواهد مجرم مجازات شود ولی خودش اگر جرم کرد نگاه کرد حاضر نیست تن به مجازات بدهد این حالت در جامعه اسلامی نباید باشد قرآن می‌گوید: «کونوا قوامین بالقسطه ماعدالت را برای همه قرار دادیم اگر خودشان مجرمند بخواهند مجازات بشوند تا در جامعه عدالت برقرار شود و این عدالت به نفع جامعه و به نفع من است. ولو فعلا من مجرم هستم، من شلاق می‌خورم ولو من زندان می‌شوم. ولی به نفع من است که مجازات شوم و لذا مردم توقع نداشته باشند از دادگاههای انقلاب که دادگاههای انقلاب در رابطه با افرادی که ادعا می‌کنند مسلمان هستند. حزب الهی هستند. در جرمشان اغماض شود. خیر برادران حزب الهی باید با قاطعیت احکام اسلامی در مورد آنها اجرا و پیاده شود. احکام اسلام را بپذیرند و یکی از قوانین اسلام (که مجازات اسلام) باشد بپذیریم و خوشحال باشیم که در دنیا مجازات می‌شویم و السلام

جهاد

اسلام است بتواند از وجوهات مصرف خمس، زکوة، انفال، نفقات و تئورات و غیره که مصرف فی سبیل الله دارند استفاده کند.
 لذا باریگر بعنوان یک مسلمان مسئول امر به معروف می‌کنم که جهاد سازندگی را دولتی نکنید بلکه ادارات دولتی را جهادی کنید یعنی ادارات دولتی را از زیر بار مقررات بازدارنده و استعماری دیکته شده توسط استعمارگران و مباحثران آنها بیرون آورید و به آنان مجال ایجاد استقلال صنعتی و اقتصادی برای کشور اسلامی بدهید.
 و من ... التوفیق